

جنگ نرم

جنگ نرم یک جنگ واقعی است که بسیار پیچیده تر و خطرناک تر از جنگ سخت است. زمانی که دشمن نتوانست با راهبرد سخت، اهداف کلان خود که عبارت اند از مهار، تغییر رفتار و تغییر ساختار حاکمیت را تحصیل نماید؛ جنگ نرم را به منظور دستیابی به این اهداف طراحی نمود، مهم ترین تمایز جنگ نرم، محسوس و عینی نبودن تلفات است که به همین دلیل هم مورد غفلت خواص قرار می گیرد.

جنگ نرم عبارتست از هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وادار می دارد. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه ای، عملیات روانی براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی و رنگی و... از اشکال جنگ نرم است.

زمان برای حصول اهداف خود، ترکیبی از راهبرد سخت و نرم را تحت عنوان قدرت هوشمند ۱ به میدان آورده است، ولی به نظر می رسد پیروزی وی در جنگ نرم مقدمه فتوحات جنگ سخت دیگری خواهد بود؛ چرا که در جنگ نرم، دشمن به دنبال تزلزل از درون به واسطه ایجاد نارضایتی در مردم، تغییر باورها، تهاجم فرهنگی، ترویج اباحه گری، عادی سازی مفاهیم غیر دینی و... است. در صورت بروز جنگ سخت، در صورت اثر گذاری جنگ نرم دیگر خبری از اصول و ارزش ها نبوده و لذا مشارکت فعال از ناحیه ملت که دغدغه حفظ باورها و ارزش ها را ندارند صورت نمی پذیرد؛ چرا که آن ارزش ها در هجمه های ضد ارزشی دشمن مدفون گشته است. در چنین شرایطی طبیعی است که لشکر دشمن سنگر به سنگر فاتحانه پیشروی نموده و خاک ملتی را تصاحب خواهد نمود که قبلاً در فتوحات جنگ نرم، بینش، نگرش و روش ایشان یا به تعبیری هویت آنها را استحاله نموده است.

در هر جنگی، به منظور دفاع موثر، می بایست استراتژی دشمن دقیقاً مورد بررسی قرار گرفته و ضمن واکاوی لایه های جنگ، چپستی، چگونگی و چرایی آن مورد مذاقه قرار گیرد تا پس از آن بتوان سناریویی برای مقابله مناسب را طراحی نمود.

لایه های جنگ نرم علیه زنان و خانواده

جنگ نرم دارای لایه های گوناگونی است که در کشور ما مورد غفلت واقع شده است.

لایه اول: جنگ فرهنگی

در این لایه، جنگ فرهنگی با هدف استحاله فرهنگی ملت به واسطه تغییر ذائقه از فرهنگ ناب اسلامی به فرهنگ منحط غربی به منظور تغییر اصول و ارزش های یک ملت و به واسطه 4 راهبرد از جانب دشمن صورت می پذیرد که عبارت اند از:

الف: استحاله ایدئولوژی

ب: ترویج اباحه گری

ج: تضعیف و تخریب بنیان خانواده

د: تغییر سبک زندگی اسلامی به سبک زندگی غربی در راهبرد اول، این لایه از جنگ نرم، یعنی استحاله ایدئولوژی، دشمن سعی بر سکولار نمودن جامعه دارد؛ به این معنا که ابتدا دین را صرفاً یک امر فردی معرفی کرده و ساحت اجتماعی زندگی را از آن کاملاً جدا نماید و در مرحله بعد، در ساحت فردی دین دخالت نموده و بین شریعت و نقیض آن جمع نمایند؛

در این لایه، زنان به عنوان متکفل اصلی تربیت به عنوان جامعه اصلی نیز تلقی می گردد؛ چراکه به تعبیر حضرت امام "ره" زنان انسان ساز هستند. اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملت ها گرفته شوند، ملت ها به شکست مواجهند.

دشمن با تغییر در نگرش و منش دینی زنان، تغییر در نگرش و منش دینی جامعه را تعقیب می نماید. به عنوان نمونه، هنگامی که یکی از دستگاه های امنیتی کشور شبکه منحرفی از فعالان مجازی را دستگیر نمود، مدیر این شبکه ضمن اذعان به داشتن مأموریت از معارضان خارج از کشور، سناریوی عملیاتی خود را در سه فاز توضیح داد:

فاز اول: اخلاق زدایی

فاز دوم: دین زدایی

فاز سوم: نظام زدایی

میان جنگ نرم زنان و خانواده ارتباط مبنایی وجود دارد که به شرح ذیل بیان می گردد. از آنجایی که دشمن در جنگ نرم به دنبال ناکارآمد جلوه دادن نظام اسلامی و براندازی آن می باشد، هدف غایی آن جلوگیری از تحقق و ترویج راهبردهای پنج گانه نهضت امام خمینی (ره) (یعنی انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی) است. دشمن به دنبال آن است که با استحاله مدل و کارکردهای خانواده با تغییر سبک زندگی اسلامی به سبک زندگی غربی جامعه را از مسیر اسلامیت خارج نموده و از این طریق، نظام سازی مختل ساخته و در نهایت، پدیده انقلاب اسلامی را به شکست کشانده تا قلب زمین، یعنی نقطه عامل حیات بشر را از مختصات کانونی سرزمینی تمدن ساز، آن هم تمدنی مغایر با سیاست های کلان نظام سلطه، به نقطه ای همسو منتقل نماید. بنابراین، راهبرد از جمله مهم ترین و کارآمدترین راهبردهای تحقق اهداف نظام سلطه «خانواده زدایی» می باشد.

امروزه این سناریوی راهبردی در پروتکل های صهیون و استراتژی های آمریکا به وضوح به چشم می خورد. تمرکز بر تغییر سبک زندگی از ناحیه دشمن با تأکید بر ترویج اباحه گری و ایجاد تزلزل و تخریب در بنیان خانواده، در قالب برنامه های عملیاتی مانند تأسیس شبکه های ماهواره ای فارسی زبان، توسعه خدمات و افزایش جذابیت کاذب در فضای مجازی، حمایت از تولیدات هنری و رسانه ای معارض با سیاست های نظام جمهوری اسلامی ایران، تولید و ترویج بازی های رایانه ای ساختارشکن و... در سایه تصویب اعتبارات چشمگیر از سوی استکبار جهانی و هم سپیمانانش، راهبرد دشمن را بیش از پیش روشن می نماید.

در این لایه، کارکرد زنان به عنوان یکی از ارکان بسیار مهم در عرصه خانواده و اجتماع به عنوان بازیگر نقش اول، هدف قرار گرفته است؛ چرا که دشمن جایگاه و نقش زن را در جامعه اسلامی ایرانی به خوبی شناخته است. سهم و تأثیر زن در تربیت بشر بسیار قابل توجه می باشد.

لایه دوم: جنگ سیاسی

در این لایه هدف اصلی دشمن جنگ سیاسی در جهت تضعیف ثبات کشور و ناکارآمد جلوه دادن نظام اسلامی است که به واسطه چند راهبرد اهداف خود را تعقیب می نماید که عبارت اند از:

الف. سیاه نمایی علیه وضعیت زنان و القای ذهنیت دیکتاتوری حاکمیت در ایران

ب. تقویت جنبش اپوزیسیون زنان داخل

ج. مدیریت مطالبات جنسیتی و ضدارزشی

د. ایجاد فشار بر نظام جمهوری اسلامی ایران به واسطه قطع نامه های به اصطلاح حقوق بشری

ه. تبدیل موضوع زنان و خانواده به یک موضوع و چالش سیاسی در ایران

و. استفاده از زنان در براندازی نرم

لایه سوم: جنگ روانی

هدف اصلی دشمن در لایه سوم جنگ نرم، جنگ روانی در جهت خروج فضای اجتماعی از تعادل و بروز رفتارهای نامند پرخاشگری ها و ایجاد بی اعتمادی ها در سطح اجتماع است که منجر به گسست جامعه و در نهایت، تضعیف قدرت ملی شود.

از آنجایی که سوژه در جنگ روانی می بایست التهاب آفرین و چالش زا باشد تا نتیجه جنگ بیشترین منفعت را برای طراحانش در پی داشته باشد؛ لذا زنان و کودکان سوژه های بسیار مناسبی برای سناریوهای جنگ روانی تلقی می گردند

لایه چهارم: جنگ اطلاعاتی

در این لایه که سرویسهای اطلاعاتی با زیگران اصلی آن می باشند، دشمن درصدد است به واسطه جامعه زنان اهدافی نظیر تضعیف ثبات کشور و بی اعتمادسازی میان ملت و دولت را محقق نماید

ارائه راهبرد و نتیجه گیری

اکنون که جایگاه قرارگاه دشمن و تاکیکهای وی در جنگ نرم بیش از پیش روشن گشت و تمرکز دشمن بر جامعه زنان و خانواده، بندهای اصلی سناریوی وی را مشخص ساخت باید گفت با تمام پیچیدگی های جنگ نرم، نظام جمهوری اسلامی ایران صاحب فرصتهای بسیار مغتنمی است که بر اساس آن می تواند زمین بازی را به سرزمین دشمن منتقل نماید و در قالب یک استراتژی فعال تهدید جنگ نرم را به فرصتی بی نظیر مبدل نماید. از جمله مهم ترین این فرصت ها دیدگاه اسلام پیرامون هویت، جایگاه، نقش ها و مسئولیت های زنان در یک سیستم حکیمانه است که قادر است تمام شئون وی را مطابق با فطرت مدیریت نماید.

احصای مدل جامع سیستمی اسلام در مورد حقوق و تکالیف زن در عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی و ارائه به زنان جهان دارای پیامدهای مثبتی به شرح زیر می باشد:

الف. جمهوری اسلامی با ارائه چنین مدلی به جهان خسته از تئوریهای بشرساخته ناکارآمد، فرصت میابد تا مدیریت کارآمدی اسلام را به نمایش گذاشته و این به منزله مدیریت فرایند جهانی شدن است. با وجود اینکه نظریه سیستمی اسلام در مورد نقش جایگاه و مسئولیت های زنان هنوز فرصت تحقق نیافته است، اما بخشی از نظریات اسلام که تا کنون به طور پراکنده به آنها رسیده است بس یار نافذتر و کارآمدتر و راه گشای از نظریات بشرساخته ای است که در قرن گذشته حاصل همه تلاش و خرد اندیشمندان علوم مختلف در جهان پیرامون مسائل زنان بوده است.

ب. ارائه این مدل از سوی ایران اسلام منجر به افزایش تصاعدی قدرت نظام مقدس جمهوری اسلامی در جهان خواهد بود و به این طریق ادعای پوچ مدعیان حقوق زن و حقوق بشر بیش از پیش رنگ خواهد باخت و در واقع، روند جنگ نرم دول غربی با نزول چشمگیری مواجه خواهد شد. بر اساس این مدل نظام فرصت می یابد، ضمن مدیریت مطالبات زنان سناریوهای دشمن را مبنی بر در دست گرفتن این عرصه به منظور ایجاد تغییرات با شکست مواجه کند.

منبع: اینترنت: کتاب اندیشه های راهبردی، زن و خانواده (حاج آقای حسینی)

واحد روابط عمومی مرکز بهداشت شماره یک مشهد